



ویرانه‌نامه
ولادت امام حسن علیه السلام



ولادت امام حسن



صلوات بر حضرت امام حسن مجتبیٰ

اللهم صل على الحسين بن سيد النبيين و وصی امير المومنين السلام عليك يا بن رسول الله السلام عليك يا بن سيد الوصيين اشهد انك يا بن امير المومنين امين الله و ابن امينه عشت مظلوما و مضيت شهيدا و اشهد انك الامام الزكي الهادي المهدي اللهم صل عليه و بلغ روحه و جسده عنى فى هذه الساعة افضل التحية و السلام.

ولادت و مراسم نامگذاری امام حسن

و اما داستان ولادت به گونه ای که در روایات شیخ صدوق رحمته الله در امالی و علل و عیون اخبار الرضا علیه السلام و روایات دیگر محدثین شیعه و اهل سنت آمده و از امام سجاد علیه السلام روایت شده این گونه است که فرمود: چون فاطمه علیها السلام فرزندش حسن را به دنیا آورد، به پدرش علی علیه السلام عرض کرد: نامی برای او بگذار، علی علیه السلام فرمود: من چنان نیستم که در مورد نامگذاری او به رسول خدا پیشی گرفته و سبقت جویم. در این وقت رسول خدا صلی الله علیه و آله بیامد، و آن کودک را در پارچه زردی پیچیده، به نزد آن حضرت بردند. حضرت فرمود: مگر من به شما نگفته بودم که او را در پارچه زرد نیچید؟ سپس آن پارچه را به کناری افکند و پارچه سفیدی گرفته و کودک را در آن پیچید، آنگاه رو به علی علیه السلام کرده فرمود: آیا او را نامگذاری کرده ای؟ عرض کرد: من در نامگذاری وی به شما پیشی نمی گرفتم!

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من هم در نامگذاری وی بر خدا سبقت نمی جویم! در این وقت خدای تبارک و تعالی به جبرئیل وحی فرمود که برای محمد پسری متولد شده، به نزد وی برو و سلامش برسان و تبریک و تهنیت گوی و به وی بگو: براستی که علی نزد تو به منزله هارون است از موسی، پس او را به نام پسر هارون نام بنه!

جبرئیل از آسمان فرود آمد و از سوی خدای تعالی به وی تهنیت گفت و سپس اظهار داشت: خدای تبارک و تعالی تو را مامور کرده که او را به نام پسر هارون نام بگذاری. رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: نام پسر هارون چیست؟ عرض کرد: شبر. فرمود: زبان من عربی است؟ عرض کرد: نامش را حسن بگذار، و رسول خدا صلی الله علیه و آله او را حسن نامید... (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۸، و به همین مضمون روایات بسیاری در کتب اهل سنت نقل شده که بیشتر آنها در ملحقات احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۹۲)

و در برابر این روایت، روایات دیگری هم در کتابهای علمای شیعه و اهل سنت آمده که چون حسن علیه السلام به دنیا آمد، علی علیه السلام او را حرب نامید، و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله اطلاع یافت به علی علیه السلام دستور داد آن نام را به حسن تغییر دهد... (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۵۱، حیاة الحسن باقر شریف، ج ۱، ص ۶۳، ملحقات احقاق الحق، ج ۱۰، صص ۵۰۱-۴۹۲).

و یا اینکه علی علیه السلام نام این نوزاد را حمزه گذارد و چون حسین به دنیا آمد نام او را جعفر گذارد، و پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را طلبیده و به او فرمود: به من دستور داده شده که نام این فرزند خود را تغییر دهم، سپس به علی علیه السلام دستور داد که نام آن دو را حسن و حسین

بگذارد، و علی علیه السلام نیز به دستور آن حضرت عمل کرد... (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۵۵، ملحقات احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۹۸). ولی همان گونه که صاحب کشف الغمه گفته است، این مطلب بعید به نظر می رسد، و خلاف مشهور و ضعیف است، و مشهور همان است که در روایت بالا ذکر شد، و باقر شریف در کتاب حیاة الحسن این گونه روایات را از موضوعات و جعلیات دانسته و دلیل هایی بر این مطلب ذکر کرده که بهتر است برای اطلاع بیشتر به همان کتاب مراجعه نمایید. (حیاة الامام الحسن بن علی، ج ۱، ص ۶۳).

و در روایات بسیاری از طریق اهل سنت آمده که این دو نام شریف حسن و حسین در جاهلیت سابقه نداشته و از نام های بهشتی است، و متن یکی از آن روایات که طبری در کتاب ذخائر العقبی روایت کرده، این گونه است که عمران بن سلیمان گفته:

الحسن و الحسين اسمان من اسماء اهل الجنة، ما سمیت بهما فی الجاهلیة (ملحقات احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۸۸ و حیاة الامام الحسن بن علی، ج ۱، ص ۶۳)
(حسن و حسین دو نام از نام های اهل بهشت است که در زمان جاهلیت سابقه نداشته است.)
برگرفته از: کتاب زندگانی امام حسن مجتبی علیه السلام، ص ۳ تا ۸ / مؤلف: سید هاشم رسولی محلاتی

سیمای ظاهری امام حسن

امام مجتبی علیه السلام شباهت بسیاری به رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت. شاید در همان روزهای آغازین حیات مبارکش بود که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله با نظاره جمال و کمال او فرمود: تو از لحاظ آفرینش و خوی (صورت و سیرت) مانند من هستی. ابن صباغ مالکی در کتاب «الفصول المهمة» چهره شکوهمند امام مجتبی علیه السلام را این گونه به تصویر کشیده است: «امام ابومحمد الحسن بن علی، رنگی سپید آمیخته با سرخی داشت. دیدگانش درشت و سیاه، گونه هایش هموار، موی وسط سینه اش نازک، موی ریشش انبوه، پشت گوشش پر مو، بینی اش کشیده و بزاق همچون شمشیری از نقره، مفاصلش درشت و شانه هایش از یکدیگر دور، بود. انسانی متوسط القامه و ملیح بود. نیکوترین صورت را داشت. با رنگ سیاه خضاب می کرد. مویش پر چین و کوتاه و قامتش رسا بود.»

آشنایی اجمالی با امام حسن مجتبی

نام مبارک: حسن علیه السلام

لقب معروف: مجتبی علیه السلام

کنیه شریف: ابو محمد علیه السلام

نام پدر: امیر المومنین علی علیه السلام

نام مادر: صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام

محل ولادت: مدینه منوره

تاریخ ولادت: ۱۵ ماه مبارک رمضان سال ۳ هجرت



ویردنامه ولادت امام حسن



زید شهید: متولی صدقات پیامبر ﷺ و بسیار بزرگوار در همه کمالات و دو خواهرش ام الحسن و ام الحسین، که مادرشان ام بشیر دختر ابی مسعود عقبه خزرجی بوده است.

حسن: او را حسن مثنی می نامند. و مردی بزرگ و دانشمند بود مادر او خوله دختر منظور فزاریه است.

عمر، قاسم و عبدالله: مادرشان کنیز بوده و هر سه در کربلا به شهادت رسیدند.

عبدالرحمن: که مادر او نیز ام ولد (کنیز) بود. حسین اثرم، طلحه، و فاطمه: مادرشان ام اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله تیمی بود.

ام عبدالله، فاطمه، ام سلمه، رقیه: از مادرهای مختلف بوده اند. (زندگینامه چهارده معصوم و پیامبران، سید محسن حجازی زاده).

شمه ای از فضایل امام حسن

(۱) نقل شده است که: روزی آن حضرت سواره بود مردی از اهل شام آن حضرت را ملاقات کرد و حضرت را دشنام و ناسزای بسیار گفت، آن حضرت هیچ نفرمود تا مرد شامی از دشنام دادن فارغ شد آنگاه آن حضرت روبه آن مرد شامی کرد و بر او سلام داد و تبسم کرد و فرمود: ای مرد گمان می کنم غریب هستی و امری بر تو اشتباه شده باشد، اگر از ما استرضا جویی از تو راضی می شویم، اگر از چیزی سؤال کنی عطا می کنیم، اگر از ما طلب ارشاد و هدایت کنی تو را ارشاد می کنیم، اگر بردباری بطلبی عطا می کنیم، اگر گرسنه باشی تو را سیر می کنیم، اگر برهنه باشی تو را می پوشانیم، اگر محتاج باشی بی نیازت می کنیم، اگر رانده شده ای تو را پناه می دهیم، اگر حاجتی داری بی نیازت می کنیم، اگر رانده شده ای تو را پناه می دهیم، اگر محتاج باشی بی نیازت می کنیم، اگر بار خود را بر خانه ما فرود آوری و میهمان ما باشی تا وقت رفتن برای تو بهتر خواهد بود. ریرا که خانه ما وسیع و جاه و مال فراوان داریم.

چون مرد شامی این سخنان را از حضرت شنید گریست و گفت: شهادت می دهم تویی خلیفه الله در روی زمین هستی و خدا بهتر می داند منصب امامت را به چه کسی عطا کند و پیش از آنکه شما را ملاقات کنم شما و پدرتان دشمن ترین خلق نزد من بودید اکنون، محبوب ترین خلق خدایید در نزد من. سپس بار سفر خود را به خانه امام برد و تا مدینه بود مهمان آن حضرت بود و از محبان و معتقدین به خاندان نبوت و اهل بیت رسالت گردید.

(۲) شیخ رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر الحلی روایت کرده که شخصی خدمت حضرت امام حسن علیه السلام آمد و عرض کرد: یا بن امیرالمومنین تو را قسم می دهم به حق آن خداوندی که نعمت بسیار به شما کرامت فرموده که به فریاد من برسی و مرا از دست دشمن نجات دهی، چرا که دشمن ستمکاری دارم که حرمت پیران را حفظ نمی کند و کودکان را رحم نمی کند.

حضرت در آن حال که تکیه زده بودند چون این سخنان را شنیدند برخاستند و فرمودند: بگو دشمن تو کیست؟ تا او را دادخواهی نمایم.

محل شهادت: مدینه منوره
تاریخ شهادت: ۲۸ ماه صفر سال ۵۰ هجری

علت شهادت: مسمومیت به زهر
محل دفن: مدینه منوره (قبرستان بقیع)

نام قاتل: جعد همسرش دختر اشعث بن قیس لعنه الله علیهما
مدت امامت: نه سال و شش ماه

مدت عمر: ۴۷ سال و نه ماه و هفت روز
دوران زندگی در سه بخش: عصر پیامبر صلی الله علیه و آله حدود ۸ سال. ملازمت

با پدر حدود ۳۷ سال عصر امامت ۱۰ سال
تعدادی از القاب آن حضرت: ولی، زکی، سید، کریم اهل بیت، طیب،

بزرگ عالم، حجه، سبط اکبر، شبل، وزیر، تقی، طور، سینین، مجتبی، مظلوم، غریب، مسموم، احسان، زاهد، رضی، شریف، علم، مطیع،

حسن
کنیه معروف: ابومحمد
همسران آن حضرت:

۱- خوله: دختر منظور فزاریه که از زنان مشهور به عقل و کمال بود و قبلا همسر محمد بن طلحه بود که در جنگ جمل به قتل رسید.

۲- عایشه خثیمه: که چندی پس از امامت رسیدن امام حسن علیه السلام به خاطر شماتتی که به آن حضرت کرد وی را طلاق دادند.

۳- جعد: قاتل آن حضرت.

۴- ام کلثوم: دختر فضل بن عباس.

۵- ام اسحاق: دختر طلحه بن عبیدالله عقبه خزرجی

۶- ام بشیر: دختر ابو مسعود انصاری

۷- هند: دختر عبدالرحمن بن ابی بکر

۸- نفیله یا رمله: که کنیز بود.

۹- ام عبدالله: دختر شلیل بن عبدالله بجلی.

۱۰- زنی از ثقیب

۱۱- زنی از قبیله عمرو بن اهِیم منقری

۱۲- زنی از دختران زراره

۱۳- زنی از بنی شیبان: که هوادار خوارج بود و حضرت او را طلاق دادند.

اینها زانی بودند که امام حسن علیه السلام با آنها ازدواج کردند از آزاده و کنیز، که امام به بهانه اهدای یک گل و یا یک محبت، آنها را آزاد می کردند. صحبت های ناروایی که بعضی از دشمنان به آن حضرت روا داشته اند در مورد تعدد زوجات آن حضرت، دروغ بوده و حضرت همسر دیگری غیر از اینها که ذکر شد نداشته اند.

فرزندان آن حضرت

در مورد فرزندان آن حضرت در تاریخ سخن فراوان گفته اند و اقادی و کلبی ۱۵ پسر و ۸ دختر برشمرده اند.

ابن جوزی ۱۶ پسر و ۴ دختر؛ ابن شهر آشوب ۱۵ پسر و ۶ دختر؛ شیخ مفید ۸ پسر و ۷ دختر.

بنابر نظر شیخ مفید که اصح اقوال است:



ویردنامه ولادت امام حسن



آن مرد گفت: دشمن من فقر و پریشانی است.

حضرت لحظه ای سر به زیر افکندند سپس خادم را صدا زدند و فرمودند: آنچه مال نزد تو موجود است حاضر کن، او ۵ هزار درهم حاضر کرد حضرت فرمود: اینها را به این مرد بده. سپس آن مرد را قسم داد و فرمود: هر گاه این دشمن نزد تو آمد و ستم کرد شکایت او را به نزد من آور تا من آن را دفع نمایم.

ابن الرکن و المقام، انا ابن مکه و منی انا ابن المشعر و العرفات...» آن حضرت در مقابل خصم، همه کمالات و فضائل را به خودش اختصاص داد که یعنی: کسی به مقام آل محمد علیهم السلام نمی رسد. [خاندان وحی، سید علی اکبر قرشی].

فضایل امام حسن علیه السلام در منابع اهل سنت

علمای اهل سنت در کتب خود فضائل فروانی را از وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله در شان امام حسن علیه السلام نقل نموده اند که به اندکی از این دریای بیکران در اینجا اشاره می گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: امام حسن علیه السلام از من است و من از اوست و بر او حرام است آنچه که بر من حرام است. هذا منی وأنا منه وهو یحرم علیه ما یحرم علی (کنز العمال ج ۱۳ ص ۶۶۲)

آزار و اذیت خداوند

انس بن مالک می گوید روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله خوابیده بودند که امام حسن علیه السلام آمدند و روی سینه پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفتند و حضرت را بیدار نمودند پس من آمدم که امام حسن را از ایشان دور نمایم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: وای بر تو ای انس رها کن فرزند و میوه قلبم را هرکس ایشان را بیازارد مرا آزرده است و هرکس مرا بیازارد خدا را آزرده است.

ویحک یا انس؟ دع ابنی و ثمره فؤادی، فان من آذی هذا فقد آذانی، و من آذانی فقد آذی الله (کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۲۵)

خدایا دوست بدار هرکس که او را دوست می دارد.

در صحیح ترین کتب اهل سنت از وجود نازنین رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل گردیده است که ایشان امام حسن علیه السلام را در آغوش گرفته و می فرمودند:

بارالها من پیامبرت این را (امام حسن علیه السلام) را دوست می دارم پس شما هم او و هرکس که او را دوست می دارد دوست بدار.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ، وَأَحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ» (صحیح بخاری ج ۵ ص ۲ و ج ۷ ص ۱۵۹، صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۸۸۲ و ۱۸۸۳)

اعتراض به غاصبان خلافت

علمای اهل سنت در کتب خود با سند صحیح آورده اند که ابابکر روزی بر روی منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال خطبه خواندن بود امام حسن علیه السلام وارد شده و او را از منبر پایین آوردند.

حدثنا هشام بن عروه عن أبيه قال: قعد أبو بكر على منبر رسول الله صلى الله عليه وسلم فجاءه الحسن بن علي فصعد المنبر وقال انزل عن منبر أبي فقال له أبو بكر منبر أبيك لا منبر أبي

ابوبکر بر منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشست بود، حضرت (امام) حسن بن علی علیه السلام تشریف آوردند و از منبر بالا رفتند و به ابوبکر فرمودند: از منبر پدر من پایین بیا، ابوبکر گفت: (بلی) این منبر پدر تو است نه منبر پدر من

(۳) ابن شهر آشوب از کتاب محمد بن اسحاق روایت کرده بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچکس به شرافت و عظمت حضرت امام حسن علیه السلام نرسیده و گاهی برای آن حضرت بر در خانه بساطی می گسترانیدند و آن حضرت از خانه بیرون می شد و بر روی آن می نشست. هر کسی از آنجا عبور می کرد به جهت جلالت آن حضرت می ایستاد و عبور نمی کرد تا آنکه راه کوچه از رفت و آمد بسته می شد.

حضرت که چنین می دید داخل خانه می شد و مردم پراکنده می شدند و در پی کار خویش می رفتند و هم چنین در راه حج هر که آن حضرت را می دید به جهت تعظیم به آن حضرت پیاده می شد. آن حضرت ۲۵ مرتبه پیاده به حج رفتند و سه مرتبه مالشان را با خدا تقسیم نمودند یعنی نصف آن را خود برداشته و نصف دیگر را به فقرا دادند. [شجره طیبه، زندگینامه چهارده معصوم و پیامبران، سید محسن حجازی زاده]

(۴) امام صادق علیه السلام می فرمایند: پدرم از پدرش به من حدیث کرد که: حسن بن علی بن ابیطالب علیهما السلام از همه اهل زمان خود عابدتر بود به زهد، و بی اعتنائیش به دنیا و فضیلتش کسی نمی رسید، چون به حج می رفت پیاده می رفت و گاهی پابرهنه می رفت. چون مرگ را یاد می کرد می گریست، و چون قبر را یاد می آورد گریه می کرد، وقتی بعثت و قیامت را یاد می کرد اشک می ریخت، وقتی که گذشتن از صراط را یاد می آورد می گریست وقتی در مقابل خدا قرار گرفتن را یاد می آورد فریاد می کشید و بیهوش می شد. چون به نماز می ایستاد مفاصلهای بدنش به حرکت در می آمد و چون بهشت و جهنم را یاد می کرد مانند انسان ما زده مضطرب می گشت هر وقت به وقت خواندن قرآن به «یا ایها الذین آمنوا» می رسید می گفت: لبیک، اللهم لبیک.

در هیچ حالی او را ندیدند مگر آنکه خدا را ذکر می کرد در سخن گفتن راستگوترین مردم و در بیان مطلب فصیحترین آنان بود روزی به معاویه گفتند: ای کاش حسن بن علی را بگویی که به منبر برود و سخن بگوید تا معلوم شود که سخن گفتن نمی تواند، معاویه از آن حضرت خواست تا منبر برود و سخن گوید، امام علیه السلام برخاست و به منبر تشریف برد خدا را حمد و سپاس کرد و آنگاه فرمود:

«ایها الناس من عذنی فقد عرفنی و من لم یعرفنی فانا الحسن بن علی بن ابیطالب و ابن سیده النساء فاطمه بنت رسول الله (صلی الله علیه و آله)، انا ابن خیر خلق الله، انا ابن رسول الله، انا ابن صاحب الفضائل، انا ابن صاحب المعجزات، الدلالة انا ابن امیرالمومنین، انا المدفوع عن حقّی، انا و اخی الحسین سیدا شباب اهل الجنة، انا



ویردنامه ولادت امام حسن



تعرض مصون باشند) به معاویه واگذار نمود. معاویه به این ترتیب خلافت اسلامی را قبضه کرد و وارد عراق شده و در سخنرانی عمومی رسمی شرایط صلح را الغاء نموده و از هر راه ممکن استفاده کرده سخت‌ترین فشار و شکنجه را بر اهل بیت و شیعیان ایشان روا داشت. امام حسن علیه السلام در تمام مدت امامت خود که ده سال طول کشید در نهایت شدت و اختناق زندگی کرد و هیچ‌گونه امنی حتی در داخل خانه خود نداشت و بالاخره در سال پنجاه هجری به تحریک معاویه به دست همسر خود مسموم و شهید شد. (برگرفته از شیعه در اسلام علامه طباطبایی رحمته الله علیه)

پیش از امامت

امام حسن هفت سال از عمرش را در دوران پیامبر سپری کرد. امام حسن علاوه بر درک محضر پیامبر در بسیاری از حوادث دوران هجرت همراه ایشان بود، مانند حادثه مباحله. آن حضرت مشمول حدیث کسا و آیه تطهیر شد که از دلایل مهم بر عصمت آن حضرت است. علاوه بر آن همراه برادرش حسین در بیعت رضوان حاضر بود. امام حسن به همراه برادرش، امام حسین، بالای سر آن حضرت هنگام رحلت حاضر بود. هنگامی که ابوموسی اشعری فرماندار کوفه با فرستادگان امام علی علیه السلام برای مقابله با شورش داخلی (برپاکنندگان جنگ جمل) همکاری نکرد، امام علی فرزند خود امام حسن را به همراه عمار یاسر با نامه‌ای به کوفه اعزام کرد. آن حضرت با سخنرانی خود در مسجد کوفه توانست حدود ده هزار نفر را به میدان جنگ علیه ناکثین بکشانند. امام حسن قبل از جنگ جمل سخنرانی کرد و امیرالمؤمنین وی را در این جنگ به میمنه (سمت راست) سپاه فرستاد. برخی گفته‌اند که در این جنگ، حضرت علی علیه السلام به محمد حنفیه فرمود: این نیزه را بگیر و جمل [منظور شتر عایشه است که عده بسیاری در مقابل آن کشته شدند] را پی کن. محمد حنفیه رفت و از شدت تیرباران بازگشت. پس از او حسن نیزه را گرفت و شتر را پی کرد. (برگرفته از ویکی شیعه)

فعالیت های امام حسن علیه السلام پیش از امامت

۱- فعالیت های سیاسی

الف- بسیج کردن مردم برای شرکت در جنگ جمل
حضرت علی علیه السلام فرزند بزرگ خود، امام حسن علیه السلام را برای جلب مشارکت مردم در ستیز با پیمان شکنان (جنگ جمل) به کوفه فرستاد. امام مجتبی علیه السلام نیز با سخنان بسیار شیوا و رسای خود، توانست سپاه انبوهی را برای جنگ در رکاب حضرت علی علیه السلام گرد آورد.
ب- شرکت در جنگ جمل
امام حسن علیه السلام در جنگ جمل، حضوری چشمگیر و شجاعانه داشت و ضربه نهایی را با نحر کردن شتر عایشه به انجام رسانید و جنگ را به سود امیرمؤمنان، علی علیه السلام پایان داد.
ج- شرکت در جنگ صفین و فرماندهی نظامی

(المنتظم فی تاریخ الملوک والأئمه، ج ۴، ص ۷۰، نثر الدر فی المحاضرات، ج ۱، ص ۲۲۷، الریاض النضره فی مناقب العشره، ج ۲، ص ۱۴۸، جامع الاحادیث ج ۱۳، ص ۹۳)

جایگاه والای امام علیه السلام نزد علمای اهل سنت

ذهبی که از استوانه های علمی اهل سنت و بزرگترین معاندین اهل بیت علیهم السلام می باشد راجع به امام حسن مجتبی علیه السلام اینچنین می‌نگارد: حضرت حسن بن علی بن ابی طالب (علیهما السلام) امام و پیشوا، سید و سرور و اقا، ریحانه و گل و سبط و نوه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سید سرور و اقای جوانان بهشت ابو محمد قرشی هاشمی مدنی، شهید ... [تا آنجا که می گوید] و ایشان امام و پیشوا و سید و اقا و سرور و صاحب سیمای نیکو و زیبا، صاحب عقل و عاقل، محکم و استوار، بخشنده مورد مدح و ثنا، دیندار و با تقوا، صاحب شوکت احتشام و دارای شانی والا و بلند مرتبه بودند.

وزرنندی حنفی می‌نگارد امام دوم، تلاوتگر قرآن، زاهد و پارسای و ولی، عبادگر پیراسته، نواده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، فرزند مرتضی منتخب و صفی، برگزیده با وفا، ابا محمد حضرت حسن بن علی است حضرت حسن بن علی علیه السلام سید و سرور و حلیم و بردبار، بخشنده و با سخاوت و بزرگواری و کریم، پرهیزگار و مهربان، با محبت و دلسوز بودند ریحانه و گل خوش بوی رسول خدا ص، و فرزند دخترشان زهرای بتول، برگزیده و مایه امید، سبط مصطفی، فرزند مرتضی، صاحب سخاوت و بخشش، برپا دارنده فرائض و سنت ها ابامحمد مقتول و به شهادت رسیده به وسیله سم خالص و کشنده و نقیع دفن شده در قبرستان بقیع (معارج الوصول ص ۵۷)

و بلاذری در کتاب انساب الاشراف می‌نگارد: و حضرت (امام) حسن علیه السلام سید و سرور و اقا، بخشنده و سخی و بردبار و حلیم بود و کان الحسن سیدا سخیا کریم

زندگی نامه امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن علیه السلام سال سوم هجرت در مدینه متولد شد و هفت سال و اندی جد خود را درک نمود و در آغوش مهر آن حضرت به سربرد و پس از رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که با رحلت حضرت فاطمه سه ماه یا شش ماه بیشتر فاصله نداشت تحت تربیت پدر بزرگوار خود قرار گرفت.

امام حسن علیه السلام پس از شهادت پدر بزرگوار خود به امر خدا و طبق وصیت آن حضرت، به امامت و خلافت رسید و نزدیک به شش ماه به اداره امور مسلمین پرداخت و در این مدت معاویه که دشمن سرسخت امام علی و خاندان او بود و سال ها به طمع خلافت جنگیده بود به عراق که مقر خلافت امام حسن علیه السلام بود لشکر کشید و جنگ آغاز کرد و از سوی دیگر سرداران لشکریان امام حسن را تدریجاً با پول های گزاف و نویدهای فریبنده اغوا نمود و لشکریان را بر آن حضرت شورانید. بالاخره آن حضرت به صلح مجبور شده خلافت ظاهری را با شرایطی (به شرط این که پس از درگذشت معاویه دوباره خلافت به امام حسن علیه السلام برگردد و خاندان و شیعیانش از





ویردنامه ولادت امام حسن



دارایی ها به صورت نخلستان، زمین زراعی، چاه، قنات و... بود. چند سخن گهربار از امام حسن مجتبی علیه السلام در مجازات خطای خطاکار شتاب نکن، و بین خطا و مجازات راه عذری را قرار بده. (بحار، ج ۷۸، ص ۱۱۳)

۲) همه سعادت دنیا و آخرت در پرتو نور عقل به دست می آید. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۱)

۳) هیچ فقر و بیچارگی مانند جهل و بی سوادی نیست. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۱)

۴) با مردم همانگونه رفاقت و برخورد کن که دوست داری آنها همانگونه با تو رفاقت و برخورد کنند. (بحار، ج ۷۸، ص ۱۱۶)

۵) برادری عبارت است از: وفاداری در سختی و آسایش (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۴)

۶) شخصی از آن حضرت پرسید: کرم چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: آغاز به بخشش قبل از تقاضا. (تحف العقول، ص ۲۲۵)

۷) هیچ قومی مشورت نکردند مگر اینکه راه وصول هدفشان را یافتند. (تحف العقول، ص ۲۳۳)

۸) سفیه کسی است که: در مورد مصرف اموالش ابله است و در مورد آبرویش مسامحه کار است، در برابر فحش و ناسزایی که به او داده می شود سکوت می کند و جواب نمی دهد. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۵)

۹) پستی آن است که شکر نعمت نگذاری. (تحف العقول، ص ۲۳۳)

امام حسن علیه السلام در این جنگ، از سوی حضرت علی علیه السلام دستور یافت که سمت فرماندهی میمنه لشکر (جناح راست لشکر) را بر عهده گیرد. حضرت مجتبی علیه السلام در رکاب پدر، دلاورانه شمشیر می زد. معاویه با فرستادن عبیدالله بن عمر خواست تا با وعده های پوشالی، امام را از میدان به در کند، اما فرستاده معاویه، ناامید و سرافکننده باز گشت. (ابوالفضل هادی منش، آفتاب حسن، صص ۵۶-۶۱).

۲- فعالیت های فرهنگی الف- امام جمعه موقت کوفه

یکی از مسئولیت های مهم فرهنگی امام مجتبی علیه السلام در دوران خلافت علی علیه السلام، امامت جمعه بود. هر گاه امام علی علیه السلام کوفه را ترک می کرد یا به دلیل نمی توانست نماز جمعه را اقامه کند، این مهم را بر دوش فرزند بزرگترش می گذاشت.

ب- قضاوت به جای امام علی علیه السلام

نوشته اند در دوران خلافت حضرت علی علیه السلام، مردی را نزد او آوردند که او را در خرابه ای، کنار جسدی بی جان و خونین یافته بودند، در حالی که کاردی خونین نیز در دست داشت. جریان را به حضرت گفتند. امام فرمود: چیزی برای گفتن داری؟ مرد پاسخ داد: یا امیرالمؤمنین! این اتهام را می پذیرم. حضرت علی علیه السلام دستور داد او را ببرند و قصاص کنند. در این هنگام، مردی باعجله خود را رسانید، در حالی که فریاد می زد: او را رها کنید! او کسی را نکشته است. قاتل، من هستم. امیرالمؤمنین از متهم پرسید: چرا اتهام قتل را پذیرفتی، در حالی که قاتل کس دیگری است؟ مرد پاسخ داد: من در وضعی نبودم که بتوانم از خودم دفاع کنم؛ زیرا چندین نفر مرا بالای سر جسد با کارد خونین دیده بودند. من گوسفندی کشته بودم و برای قضای حاجت به خرابه آمدم که دیدم آن مرد در خون خود می غلتد. شگفت زده شدم و در حالی که کارد خونین در دستم بود، این چند نفر وارد خرابه شدند و مرا با آن وضع دیدند و انگاشتند که من او را کشته ام. علی علیه السلام متهم و قاتل را نزد فرزندش، امام حسن علیه السلام فرستاد تا حکم را از او بخواهد. حضرت مجتبی علیه السلام پس از شنیدن صحبت های هر دو فرمود: مرد قاتل که با راست گفتاری اش جان متهم را نجات داد، به استناد آیه کریمه و من احیاهم فکانما احیا الناس جميعاً؛ هر کس انسانی را از مرگ نجات دهد، گویی همه مردم را نجات داده است. (مأئده: ۳۲). گویی همه انسان ها را از مرگ رهایی بخشیده است. [او] فردی را کشته و دیگری را از مرگ رها کرده است. پس هر دو را آزاد کنید و دیه مقتول را از بیت المال بپردازید. (ابوالفضل هادی منش، آفتاب حسن، صص ۶۶، ۶۸).

۳- فعالیت های اقتصادی

یکی از چشمگیرترین تلاش های اقتصادی حضرت مجتبی علیه السلام در دوران پیش از امامت، سرپرستی زمین ها و اموالی بود که از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان، علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام، به عنوان وقف مشخص شده بود که بیشتر آنها به حجاج بیت الله الحرام، یتیمان، مستمندان و خانواده اهل بیت علیهم السلام تعلق گرفت. این

پی نوشت:

- ۱- آفتاب حسن، ابوالفضل هادی منش
- ۲- احقاق الحق
- ۳- بحار الانوار
- ۴- تحف العقول
- ۵- جامع الاحادیث
- ۶- حیاة الامام الحسن بن علی
- ۷- خاندان وحی، سید علی اکبر قرشی
- ۸- الریاض النضرة فی مناقب العشرة
- ۹- شجره طیبه، زندگینامه چهارده معصوم و پیامبران، سید محسن حجازی زاده
- ۱۰- شیعه در اسلام علامه طباطبایی
- ۱۱- صحیح بخاری
- ۱۲- صحیح مسلم
- ۱۳- الفصول المهمة
- ۱۴- کنز العمال
- ۱۵- معارج الوصول
- ۱۶- المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم
- ۱۷- نثر الدر فی المحاضرات

